ماجرای نامه اعتراضی وزیر جهادکشاورزی به صمت و معمای استعفای حجتی

سپهرغرب، گروه اقتصادی: نامه گلایه‌آمیز خاوازی؛ وزیر جهادکشاورزی به همتای خود در وزارت صمت، درباره انتقال کلیه اختیارات مرتبط با فرآیند ثبت سفارش و تخصیص ارز برای نهاده‌های دامی و دانه‌های روغنی وارداتی به وزارت خود، پرده از اجرای ناقص و دل‌بخواه مصوبه دولت برداشت.

در سال ۱۳۹۱ قانون «تمرکز وظایف و اختیارات بخش کشاورزی در وزارت جهادکشاورزی» به تصویب مجلس رسید و از سال ۱۳۹۲ به اجرا گذاشته شد.

در ماده یک این قانون آمده است: «کلیه اختیارات، وظایف و امور مربوط به سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت و انجام اقدامات لازم در موارد زیر از وزارت صنعت، معدن و تجارت منتزع شده و به وزارت جهادکشاورزی واگذار می‌شود:

الف- تجارت اعم از صادرات، واردات و تنظیم بازار داخلی محصولات و کالاهای اساسی زراعی، باغی و گیاهان دارویی شامل گندم، برنج، جو، ذرت، پنبه‌وش، روغن و دانه‌های روغنی، چای، سیب‌زمینی، پیاز، حبوبات، سیب، پرتقال، خرما، کشمش، قند، شکر و کنجاله و همچنین محصولات دامی، طیور و آبزیان شامل شیر و فرآورده‌های لبنی، گوشت سفید، گوشت قرمز، تخم‌مرغ و نیز پیله ابریشم.

ب- صنایع تبدیلی بلافصل ذیل با یک مرحله تبدیل در بخش کشاورزی»

بنا بر این گزارش، واگذاری وظایف تنظیم بازار و تجارت داخلی و خارجی و نیز صنایع تبدیلی بخش کشاورزی به وزارت جهادکشاورزی براساس منطق علمی و درستی انجام گرفت که در کشورهای پیشرو کشاورزی در جهان نیز همین رویه دیده می‌شود.

بخش کشاورزی در همه کشورها به‌دلیل ویژگی‌های اقتصادی محصولات تولیدی مانند فسادپذیری، کشش قیمتی پایین، گره خوردن به امنیت غذایی و... و نیز ویژگی‌های تولیدی این بخش مشمول حمایت دولت‌ها و حاکمیت‌ها است. یکی از حمایت‌های سیاستی برای کمک به تولید بخش کشاورزی به‌عنوان یک بخش پیشران و مولد در اقتصاد کشور، واگذاری اختیارات تولیدی و تجاری به یک متولی واحد است.

به بیان دیگر برای جلوگیری از ناهماهنگی‌های شکننده و آسیب‌زا در زنجیره ارزش بخش کشاورزی، ضروری است که یک متولی واحد کل زنجیره، ازجمله فرایندهای تولیدی و تنظیم بازار شامل تأمین و سامان‌دهی محصولات در بازار و تجارت خارجی آن‌ها را نیز بر عهده داشته باشد.

وجود متولی واحد برای بخش کشاورزی از دو جهت مهم است: یکی ایجاد هماهنگی بین زنجیره‌های تولیدی و تجاری، برای جلوگیری از واردات بی‌رویه و زیان‌دیدن تولیدکننده و دیگری وجود یک نهاد پاسخگو در برابر مسئولیت واگذار شده، برای پیشگیری از فرافکنی و فرار از پاسخگویی ناشی از تشتت مدیریتی و نهادهای موازی متولی، مورداهمیت است.

در سال‌های گذشته اجرای نه‌چندان کامل قانون تمرکز، توانست دستاورهای مفیدی برای بخش کشاورزی و اقتصاد کشور به ارمغان بیاورد.

نرخ رشد اقتصادی ۳،۸۵ درصدی بخش کشاورزی در سال‌های ۹۲ تا ۹۵ که در بین سایر بخش‌های اقتصادی بیشترین مقدار را داشت، کاهش ۴،۳ میلیارد دلاری حجم واردات غذا و ۴،۶ میلیارددلاری غذای اساسی، افزایش ۱،۷ میلیون تنی صادرات محصولات کشاورزی، کاهش ۱،۰۶ میلیون تنی واردات برنج، افزایش ضریب خودکفایی در تولید قندوشکر و رونق کارخانه‌های این محصولات در کنار کاهش واردات آن و نیز افزایش تولید دانه‌های روغنی، از دستاوردهایی بود که از اجرای هرچند ناقص قانون تمرکز حاصل شد.

در این بین دولت یازدهم از سال ۱۳۹۶ با این قانون سر مخالفت و ناسازگاری گذاشت و در این سال‌ها سعی در لغو این قانون و تأسیس مجدد وزارت بازرگانی کرد. این در حالی است که خاطرات نابسامانی‌های پی‌درپی بازار محصولات کشاورزی در سال‌های حضور وزارت بازرگانی در ساختار دولت و ناهماهنگی‌های این وزارتخانه تجاری با وزارتخانه‌ی تولیدی جهادکشاورزی که هم به زیان تولیدکننده و هم به زیان مصرف‌کننده تمام می‌شد، هنوز از ذهن مردم پاک نشده است.

عملکرد ساختار وزارت بازرگانی نشان می‌دهد که همواره در پی تنظیم بازار، از راه وارد کردن محصولات با ارز حاصل از فروش نفت بوده و در این بین محصولات کشاورزی تولید داخل اهمیت کم‌تری دارد. با این حال رئیس‌جمهور که وجود این وزارت را کلید تنظیم بازار می‌داند، به‌جد به‌دنبال تأسیس آن است.

به همین منظور در سال ۹۶ لایحه «اصلاح بخشی از ساختار دولت» با هدف تشکیل وزارت بازرگانی، به مجلس ارائه و با مخالفت نمایندگان روبه‌رو شد. پس از گلایه رئیس‌جمهور از نمایندگان مجلس، این‌بار این لایحه در قالب طرح «تشکیل وزارت تجارت و خدمات بازرگانی» توسط برخی نمایندگان حامی دولت، در سال ۹۷ به مجلس وصول و باز هم با مخالفت آن‌ها مواجه شد.

علی لاریجانی؛ رئیس مجلس دهم با مشاهده مخالفت نمایندگان اظهار کرد: «مجلس با تغییر ساختار و تفکیک وزارتخانه‌ها در شرایط فعلی مخالف است.» پس از آن چندمرتبه طرح در دستور کار مجلس قرار گرفت، اما با استمزاج نظر نامساعد نمایندگان، از دستور خارج شد.

در مردادماه ۹۸ رئیس‌جمهور از مصوبه شورای هماهنگی اقتصادی سران سه‌قوه، مبنی‌بر انتزاع و انتقال وظایف تنظیم بازار و تجارت بخش کشاورزی از وزارت جهادکشاورزی به وزارت صمت و موافقت رهبری با این مصوبه خبر داد. این خبر با سکوت سنگین خبری چندروزه همراه بود. اما پس از چندروز، شواهد و مستندات نشان داد که این مصوبه، وجود خارجی ندارد و خروجی شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا نیست.

در این رابطه حاجی دلیگانی؛ نماینده مجلس دهم در مصاحبه‌ای گفت: «آقای لاریجانی به نمایندگان اعلام کرد که تاکنون چندبار این مبحث در جلسه شورای هماهنگی سران قوا مطرح شده است، اما تصویب انتقال شرکت بازرگانی دولتی از وزارت جهاد به وزارت صمت درست نیست.»

هیئت‌وزیران بدون اثبات ادعای خود در تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۴ مصوبه‌ای به‌شماره‌ی ۶۴۰۱۵/ت ۵۶۸۷۳ هـ با امضای اسحاق جهانگیری؛ معاون اول رئیس‌جمهور صادر و ابلاغ کرد که براساس بند یک آن، «تصویب‌نامه شماره ۷۷۲۵۶/ت ۵۰۴۷۸ هـ به تاریخ ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ لغو و وظایف و اختیارات وزیر و وزارت صمت در شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و شرکت‌های زیرمجموعه آن، مجدداً برقرار می‌شود.»

شرکت بازرگانی دولتی بازوی تنظیم بازار و تجارت محصولات کشاورزی برای وزارت کشاورزی به حساب می‌آمد و در جریان تصویب قانون تمرکز به این وزارتخانه منتقل شده بود و این مصوبه هیئت‌وزیران به‌معنی لغو غیرقانونی قانون تمرکز و دورزدن مجلس شورای اسلامی و شورای هماهنگی اقتصادی سران سه‌قوه بود.

گفتنی است که دولت پس از کش‌وقوس‌ها و لابی‌های گسترده، توانست در مهرماه ۱۳۹۷ رأی مثبت نمایندگان مجلس دهم را به طرح تشکیل وزارت بازرگانی را اخذ کند. اما از آن روز این طرح پس از چند مرحله ایراد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام، هنوز در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی مانده و اصلاحات شکلی نتوانسته است، ایرادات محتوایی را بپوشاند. البته اصلاحات کمیسیون اجتماعی حتی نتوانست نظر نمایندگان مجلس دهم را نیز جلب کند.

بررسی استنکاف دولت از قانون تمرکز

اما نمایندگان مجلس یازدهم نسبت به این بی‌قانونی دولت، واکنش نشان داده و ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی مجلس را در مورد مصوبه هیئت‌دولت، مبنی بر لغو قانون تمرکز و انتقال شرکت بازرگانی دولتی به وزارت صمت به‌مدت دوسال به جریان انداختند. در ماده ۲۳۴ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی آمده است: «هرگاه حداقل ده‌نفر از نمایندگان یا هریک از کمیسیون‌ها، عدم رعایت شئونات و نقض یا استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رئیس‌جمهور، وزیر یا مسئول دستگاه‌های زیرمجموعه آنان را اعلام کنند، موضوع بلافاصله از طریق هیئت‌رئیسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع می‌گردد.»

این ماده به نمایندگان مردم در مجلس این اختیار را می‌دهد که نسبت به قانون‌شکنی یا قانون‌گریزی دولت‌ها، واکنش نشان داده و از مسیر قوه قضاییه پیگیر اجرای آن قانون باشند. به استناد این ماده، نمایندگان مجلس یازدهم در نخستین اعمال بند ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی، نسبت به لغو قانون «تمرکز وظایف و اختیارات کشاورزی در وزارت جهادکشاورزی» توسط دولت یازدهم اعتراض کردند. درخواست بررسی استنکاف از قانون تمرکز در روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه ۹۹ با امضای ۳۶ نماینده، تحویل هیئت‌رئیسه مجلس شد.

روح‌الله ایزدخواه؛ نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در این‌باره می‌گوید: «سال گذشته رئیس‌جمهور این موضوع را در جلسه سران قوا مطرح کرد تا مصوبه آن‌ها را برای لغو این قانون دریافت کند. طبق آیین‌نامه شورای عالی سران قوا، اگر آنان بخواهند تصمیمی بگیرند که خلاف قوانین موجود باشد، باید هر سه نفر به آن رأی مثبت دهند که این اتفاق درباره موضوع مذکور نیفتاده است. چنان که در یکی از جلسات غیرعلنی مجلس دهم، لاریجانی در پاسخ به اعتراض نمایندگان درخصوص نقض قانون مذکور، تصریح کرد که این موضوع در جلسه سران قوا طرح شده، اما مصوب نشده است.»

طبق آیین‌نامه داخلی مجلس، درخواست استنکاف و نقض قانون پس از تحویل به هیئت‌رئیسه به کمیسیون مربوطه ارجاع شده و پس از بررسی در کمیسیون تخصصی در صحن مجلس به رأی گذاشته می‌شود. درصورت کسب رأی موافق نمایندگان در صحن مجلس، ادامه پیگیری از مسیر قوه قضاییه، انجام گرفته و دولت موظف به اجرای کامل قانون مصوب مجلس شورای اسلامی خواهد شد.

معمای ۱۱ماهه، بازار آشفته نهاده‌های دامی، اعتراض وزیر کشاورزی و دیگر هیچ!

اجرای ناقص مصوبه هیئت‌دولت و اعتراض وزیر جهادکشاورزی

بنا بر این گزارش نکته مهم دیگری که در مورد مصوبه هئیت‌وزیران باید اشاره کرد، اجرای ناقص و سلیقه‌ای مفاد این مصوبه است. مصوبه شماره ۶۴۰۱۵/ت ۵۶۸۷۳ هـ دولت شامل چهار بند و بند نخست به‌عنوان مهم‌ترین بند، شامل دو تبصره است. در تبصره یک بند نخست، وظیفه خرید تضمینی برعهده وزارت صمت گذارده شده و در تبصره دو بند نخست، وظایف دو وزارتخانه صمت و جهادکشاورزی به این شرح تقسیم شده است:

«تبصره دو- مسئولیت ذخایر راهبردی کالاهای نهایی شامل گندم، برنج، روغن، شکر، گوشت قرمز و گوشت مرغ و همچنین تنظیم بازار این کالاها، به وزارت صمت منتقل می‌شود و در مورد نهاده‌های دامی شامل ذرت، انواع کنجاله و جو بر عهده وزارت جهادکشاورزی است.»

بنابراین طبق این مصوبه، وظیفه ذخایر راهبردی و تنظیم بازار نهاده‌های دامی بر عهده وزارت جهادکشاورزی است، اما در اواخر تیرماه ۹۹ خاوازی؛ وزیر جهادکشاورزی در نامه‌ای به مدرس‌خیابانی؛ سرپرست وزارت صمت می‌نویسد: «با عنایت به تصویب نامه شماره ۶۴۰۱۵/ت ۵۶۸۷۳ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۲۴ هیئت محترم وزیران درخصوص مسئولیت تنظیم بازار نهاده‌های کشاورزی و نامه شماره ۱۹۹۴۷ مورخ ۱۳۹۹/۳۰/۰۲ متضمن دستور معاون اول رئیس‌جمهور، مقتضی است مقرر فرمایید نسبت به انتقال کلیه موارد مرتبط با فرآیند ثبت سفارش و تخصیص ارز برای نهاده‌های دامی شامل ذرت، جو، کنجاله سویا و دانه‌های روغنی وارداتی (با توجه به اینکه ۷۸ درصد آن کنجاله استحصالی است) به وزارت متبوع اقدام لازم معمول گردد.»

این نامه پرده از خبر مهمی برداشت که پس از ۱۱ ماه از ابلاغ این مصوبه، ناگفته مانده بود. نکته مهم این است که دولت در این ۱۱ ماه، عملاً مصوبه خود را هم نقض کرده و زیرپا گذاشته! دولت به همه چهار بند مصوبه نام‌برده عمل کرده، اما کلمات انتهایی تبصره دو بند نخست مصوبه (که با زیرخط نشان داده شده) را به مدت ۱۱ ماه نادیده گرفته است. تبصره‌ای که شاید یکی از دلایل کنش‌های شدید حجتی؛ وزیر وقت جهادکشاورزی با رئیس‌جمهور و در نهایت استعفای او از وزارت بوده است.

خاوازی؛ وزیر فعلی جهادکشاورزی در نامه اعتراضی خود به نکته دیگری هم اشاره می‌کند و آن نامه شماره ۱۹۹۴۷ اردیبهشت‌ماه ۹۹ جهانگیری است. از شواهد چنین بر می‌آید که این نامه نیز برای پیگیری انتقال وظایف تنظیم بازار نهاده‌های دامی به جهادکشاورزی بوده، اما جالب اینجاست که وزارت صمت به نامه معاون اول دولت هم وقعی ننهاده و پس از گذشت دو ماه، هنوز آن را اجرایی نکرده تا اینکه خاوازی آن را به رسانه‌ها کشاند.

این رفتار دولت می‌تواند ناشی از دو عامل باشد:

آشفتگی و نابسامانی مفرط در مدیریت داخلی دولت که توان اجرای کامل یک مصوبه چهار بندی خود را پس از ۱۱ ماه هم ندارد.

عدم اعتقاد دولت به بخش کشاورزی و متولی آن؛ یعنی وزارت جهادکشاورزی برای سپردن کم‌ترین مسئولیت ممکن که حق این وزارت در مدیریت تولید بخش خود به‌شمار می‌رود.

درصورت صحت احتمال نخست باید گفت: دولتی که توانایی اجرای یک خط از مصوبه چهار بندی خود را ندارد، با تشکیل وزارت بازرگانی نیز نخواهد توانست، بازار محصولات کشاورزی را سامان‌دهی و تنظیم کند.

درصورت احتمال دوم، باید گفت: دولتی که همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد برجام شکست، در حال حاضر با وجود تحریم‌ها و جنگ همه‌جانبه اقتصادی علیه کشور، آیا بخشی درون‌زاتر، مولدتر و خودکفاتر از کشاورزی سراغ دارد که با آن بتواند وضعیت اقتصادی را بهبود دهد؟

نابسامانی بازار نهاده‌های دامی در ماه‌های اخیر

در حالی دولت ۱۱ ماه از تخصیص حق مدیریت نهاده‌های دامی به وزارت جهادکشاورزی سر باز زده که در ماه‌های اخیر مسئله تأمین نهاده‌های دامی به مشکلی جدی برای تولیدکنندگان تبدیل شده است. در ماه‌های اخیر شاهد افزایش روزافزون قیمت مرغ، تخم‌مرغ و گوشت قرمز هستیم که عامل آن، افزایش هزینه‌های تولید در اثر کمبود نهاده‌های دامی و تنظیم نشدن بازار این نهاده‌ها است.

در حالی عرضه نهاده‌های دامی در ماه‌های اخیر، ۳۰ درصد کاهش یافته که ۱،۵ میلیون تن نهاده دامی شامل جو و ذرت در بندرهای کشور، رسوب کرده و به‌دلیل عدم تخصیص ارز توسط بانک مرکزی ترخیص نمی‌شود. بنابراین در حال حاضر هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده در حال زیان دیدن است.

مسئله مهم‌تر تصمیم‌گیری تولیدکنندگان دام‌وطیور برای دوره تولید آتی است، زیرا تولیدکننده نسبت به وضع موجود، اقدام به تصمیم‌گیری برای مقیاس تولید جدید خود می‌کند و با شرایط حاضر مسلماً مرغداران جوجه‌ریزی کم‌تر و دامداران مقیاس خود را در سطح کم‌تری می‌بندند. این اتفاق به کمبود عرضه مرغ، تخم‌مرغ و گوشت قرمز در ماه‌های آینده و افزایش تقاضای واردات در این شرایط تحریم و کمبود دلار در کشور می‌انجامد.

جزئیات برداشت‌های دولت از صندوق توسعه ملی

تراز ورودی و خروجی صندوق در سال ۹۹ منفی است

سپهرغرب، گروه اقتصادی: ناظر مجلس دهم در صندوق توسعه ملی با اشاره به جزئیات برداشت‌های دولت از صندوق توسعه ملی گفت: تنها رقم بدهی ناشی از تسهیلات دولت، ۷،۹ میلیارد دلار بوده که این به‌غیر از برداشت‌هایی مانند ۴۵ هزار میلیارد تومان در بودجه و مشکلات سیل و زلزله بوده است.

صندوق توسعه ملی برای نخستین‌بار در سال ۸۹ و پس از ناکامی در تحقق اهداف حساب ذخیره ارزی، پا به عرصه گذاشت. اساساً صندوق‌های توسعه‌ای، تجربه‌ای بین‌المللی و موفق دارند که اهداف کلان داشته تا علاوه‌بر رهایی اقتصاد از ارزهای پرتکانه نفتی، گامی در جهت آبادانی و فراهم شدن زیرساخت‌ها و ثروت‌آفرینی داشته باشند.

ساختار صندوق توسعه ملی در راستای سیاست‌های برنامه‌ای دو مأموریت عمده دارد: نخست آنکه بخشی از عواید صادرات نفت، گاز و فرآورده‌های نفتی، به ثروت‌های ماندگار، مولد و زاینده تبدیل شود و در کنار آن سهم نسل‌های آینده از منابع خدادادی و زیرزمینی حفظ شود. علاوه بر این موضوعات، بنا به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و مصالح کشور، بودجه جاری دولت‌ها به‌تدریج از این منابع که آثار مخرب در شاخص‌ها و متغیرهای کلان اقتصادی دارد، رهایی یابد.

برای اینکه بتوانیم نگاهی روشن و شفاف از عملکرد صندوق توسعه ملی از زمان تأسیس تا اکنون داشته باشیم، نیاز است تا اطلاعات دقیق مباحثی مانند دارایی، موجودی، ورودی سالانه به صندوق و برداشت‌های صورت گرفته در قالب تسهیلات و بلاعوض توسط دولت و تسهیلات به بخش خصوصی مشخص شود. طی سال‌های اخیر بنا به ملاحظاتی، این آمارها دارای طبقه‌بندی بوده و نمی‌توان جزئیات کامل و شفافی را از آن ارائه کرد.

با این وصف به سراغ محمد حسینی؛ عضو کمیسیون برنامه و بودجه و ناظر مجلس دهم در صندوق توسعه ملی رفتیم تا بخشی از اطلاعات و عملکرد دخل‌وخرج این صندوق را بررسی و تبیین شود.

وی معتقد است که حدود ۷،۹ میلیارد دلار در هفت سال دولت تدبیروامید، فقط به‌صورت تسهیلات از این صندوق دریافت شده و این رقم به‌غیر از برداشت‌هایی است که تحت عناوین مختلف مانند کرونا، زلزله، سیل، کسری بودجه و نظایر آن برداشت شد.

مشروح این گفت‌وگو بدین شرح است:

برداشت‌هایی که دولت طی سال‌های اخیر از صندوق توسعه ملی به انحای مختلف انجام داده، اعم از سیل، زلزله، تسهیلات، برداشت‌های بودجه‌ای و همچنین درآمدهای ناشی از کاهش سهم صندوق توسعه ملی چقدر بوده است؟

صندوق توسعه ملی در ادامه حساب ذخیره ارزی، تشکیل شد و اساسنامه آن براساس سیاست‌های ابلاغی برنامه پنجم و ششم توسعه شکل گرفت. مقرر شد بخشی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و میعانات گازی، فرآورده‌های نفتی و همچنین گاز مایع، به حساب این صندوق واریز شده و پس از آن با پرداخت تسهیلات به‌صورت ارزی در راستای ایجاد تحول در حوزه اقتصادی و همچنین تولید برای نسل آینده کشور ایفای نقش کند. هدف‌گذاری اصلی برای واریز منابع به صندوق توسعه ملی در سال شروع با ۲۰ درصد از کل منابع حاصل از صادرات بوده و هرسال باید دو واحد درصد به منابع صندوق اضافه می‌شد و تا پایان برنامه پنجم به ۳۰ درصد می‌رسید. در طول برنامه ششم نیز این سهم باید به ۴۰ درصد برسد.

با توجه به اساسنامه صندوق به این سمت حرکت کرد که تمام منابع به حساب صندوق توسعه ملی واریز و تسهیلات پرداخت می‌شد. نخستین اقدام برای تغییر این رویه در ماده ۵۲ قانون تنظیم مقررات مالی دو دولت ایجاد شد، چراکه جذب منابع ناشی از تسهیلات ارزی برای بخش کشاورزی سخت بود و به همین علت مقرر شد که ۱۰ درصد منابع به‌صورت ریالی در اختیار بانک‌های عامل قرار گیرد تا بخش کشاورزی تسهیلات ریالی دریافت کند. بعداً بخش صنعت و گردشگری نیز به آن افزوده شد.

در طول چندسال گذشته و بعد از ابلاغ سیاست‌های برنامه ششم توسعه به‌خصوص بند ۲۰ این سیاست‌ها که به صندوق توسعه ملی برمی‌گشت، دو اتفاق افتاد: ۱- صندوق مکلف شد که منابع ریالی را در بانک‌های عامل سپرده‌گذاری کند. ۲- بخش ارزی براساس مصوبات هیئت‌عامل که در چارچوب مصوبات هیئت‌امنا است، به متقاضیان تسهیلات ارزی بدهد. حکم صریحی در سیاست‌ها ابلاغ شد، مبنی بر اینکه در قوانین بودجه‌ای و عادی، مجلس نمی‌تواند منابعی را خارج از اساسنامه برداشت کند. چنانچه دولت به منابع صندوق نیازمند شد، فارغ از اینکه باید در مجلس مصوب شود، باید از مقام معظم رهبری هم، اذن داشته باشد.

در طول این چندسال با توجه به مجوزهایی که داده شد، منابعی برای کارهای موردنیاز از صندوق پرداخت شد که بعضی از آن‌ها کمک یا برگشت به منابع صندوق توسعه ملی ثبت شده و نیز بخشی از این منابع، با تأکید مقام معظم رهبری به‌عنوان تسهیلات ثبت شده و دولت مکلف به بازپرداخت آن‌ها و پیش‌بینی در بودجه‌های سنواتی است.

آیا این منابع که به دولت داده می‌شود، سود هم دارد؟

بله؛ باید با سود بازگردانده شود. براساس مصوبه هیئت‌امنا در سال ۹۸، سود بخش‌های مختلف تعیین شد و بسته به موضوعات، این سود متفاوت است. مثلاً برای زلزله با سود صفر پیش‌بینی شده است. تسهیلات ارزی که به بخش خصوصی داده می‌شود، سود معینی دارد. همچنین بانک مرکزی به منابع ارزی صندوق سود خواهد داد. برای برخی امور سود ۶ درصد و برخی دیگر نیز ۱،۵ درصد پیش‌بینی شده است.

درمجموع چقدر تسهیلات به دولت پرداخت شد؟

تسهیلات ارزی از ابتدای تأسیس تا پایان سال ۹۸ توسط صندوق توسعه ملی لحاظ شده است.

نمی‌توان بین دولت‌ها و برداشت آن‌ها، تفکیک قائل شد و آماری مستقل داد؟

خیر؛ چون زمان برنامه پنجم قانون متفاوت بوده و قانون برنامه ششم نیز رویکرد دیگری دارد. در برنامه پنجم هر پولی که از صندوق برداشته شده، با تصویب مجلس بود. ولی در برنامه ششم بدون اذن مقام معظم رهبری، امکان برداشت وجود ندارد.

فرآیند شکلی ملاک نیست، میزان برداشت از صندوق مهم است

رقم برداشت از صندوق را به کسی نخواهیم گفت. چون به‌طور کلی، سرفصلی طبقه‌بندی شده است. آنچه می‌توان بیان کرد، میزان تسهیلاتی بوده که به دولت داده شد که در سرفصل بدهی دولت به صندوق می‌آید.

این ارقام؛ یعنی تسهیلات و پرداختی‌های سیل و زلزله هم برداشت محسوب می‌شود؟

نه؛ این‌ها تسهیلات هستند. این به‌غیر از برداشت است. برداشت؛ یعنی آنکه در بودجه مصرف شده و بازگشتی ندارد.

بفرمایید رقم تسهیلات و بدهی دولت چقدر است؟

جمع کل بدهی (فقط تسهیلات) دولت به صندوق توسعه ملی، برای موضوعاتی مانند مهار آب‌های مرزی، آب‌رسانی، آبیاری تحت فشار، توسعه اراضی دشت خوزستان، ایلام، سیستان و بلوچستان، تأمین ذخایر راهبردی، تسهیلات به تعدادی از دستگاه‌های اجرایی، تأمین پیش‌پرداخت بخش حمل‌ونقل، راه‌آهن و تبصره چهار قانون بودجه ۹۸ که درمجموع به ۶ میلیارد و ۳۶۶ میلیون دلار (در قالب تسهیلات) می‌رسد. همچنین ۱،۵ میلیارد دلار برای اشتغال روستایی اخذ شد که مجموع آن، ۷،۸۶۶ میلیارد دلار می‌شود که اگر با نرخ هر دلار را ۱۸ هزار تومانی(نیما) لحاظ کنیم، بیش از ۱۴۱ هزار و ۵۸۸ میلیارد تومان بدهی می‌شود. البته دولت موظف است دلار آن را برگرداند و نه ریال. آن‌هم با سود ۱،۵ درصد.

این ارقام بدهی به‌غیر از برداشت ۴۵ هزار میلیارد تومانی دولت از صندوق توسعه براساس مصوبه سران قوا، ۲۰۰ میلیون دلار برای زلزله‌کرمانشاه، ۲۴۰ میلیون دلار برای سیل، یک میلیارد یورو برای کرونا هستند که محاسبه نشده است.

اگر بخواهید همه این موارد را جمع کنید، رقم بدهی چقدر خواهد بود؟

باید نرخ محاسباتی (قیمت دلار) آن مشخص شود و بعد ریال آن را محاسبه کرد. مثلاً یک عدد دیگر که باید تعیین تکلیف شود، مربوط به ۱۸۰۰ میلیارد تومان پول صندوق توسعه ملی است که شب عید سال ۹۹ یا همان انتهای اسفند ۹۸ بابت مالیات برداشت شد که جای شک‌وشبهه دارد و پیگیری‌هایی نیز صورت گرفته، اما نتیجه مشخص نیست. لذا دستگاه‌های نظارتی باید پاسخگو باشند. آیا واقعاً برداشت ۱۸۰۰ میلیارد تومانی سازمان مالیاتی برای عملکرد سنوات گذشته، درست بوده یا نبوده؟ اگر نبوده، چرا دولت نسبت به بازپرداخت آن اقدامی نمی‌کند؟

نظر دیوان محاسبات و سازمان بازرسی در مورد برداشت از صندوق توسعه ملی چیست؟

تا آنجا که خبر دارم، دیوان محاسبات نظرش این است که برداشت سازمان مالیاتی مغایرت قانونی دارد که نسبت به رویه بازپرداخت اقدام کند. در کمیسیون برنامه‌وبودجه مجلس دهم، نامه‌ای به لاریجانی؛ رئیس مجلس وقت نوشتیم و در مرقومه ارسالی وی عنوان شده بود که این برداشت با توجه به شرایطی که در قانون وجود دارد، به‌نوعی هم‌خوانی ندارد.

فکری به حال بازپرداخت منابع صندوق هم شده است؟

فعلاً خیر؛ مسئولانی که دنبال اصلاح ساختار بودجه و مدیریت بدهی‌های دولت هستند با توجه به اینکه منابع بازپرداخت اوراق مالی در بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌شود باید برای بازپرداخت منابع صندوق توسعه ملی نیز شرایطی را درنظر بگیرند. یک روزی این منابع، باید به صندوق بازگردد.

در رابطه با بازگشت منابع صندوق توسعه ملی سال ۹۸، نامه‌ای به نوبخت؛ رئیس سازمان برنامه‌وبودجه ارسال شد که در بودجه سال ۹۹ بخشی از آن بازپرداخت شود. نه‌تنها بازپرداختی وجود ندارد، بلکه منابع بیشتری برداشت شده است.

این تسهیلات با تضمین دولت است یا خود دستگاه‌ها؟

با تضمین دولت است. تاریخ و شماره تضمین همه تسهیلات نیز وجود دارد و همه را سازمان برنامه‌وبودجه به نیابت از دولت به صندوق تضمین داده است.

بخش عمده تسهیلات بیش از ۶ میلیارد دلاری، مربوط به دولت یازدهم و دوازدهم است؟

بله؛ بیشتر این ارقام مربوط به مهار آب‌های مرزی از سال ۹۳ و ۹۴، آبیاری تحت فشار در سال ۹۵، تأمین ذخایر راهبردی سال ۹۶، تبصره بودجه سال ۹۸، پیش‌پرداخت ناوگان راه‌آهن سال ۹۶ و عیدانه دولت دهم در سال ۹۱ است.

از عیدانه دولت دهم، چقدر بازپرداخت شده است؟

کل این بدهی ۲،۴ میلیارد دلار بود که یک‌میلیارد و ۸۶ میلیون دلار آن باقی مانده است. تقریباً بیش از نصف آن همان سال به‌تدریج بازپرداخت شد.

سهم صندوق توسعه ملی از منابع صادرات نفت و گاز به‌ویژه در چندسال اخیر، به حداقل رسیده است.

در سال جاری سهم صندوق توسعه ملی از صادرات نفت و میعانات گازی، باید ۳۶ درصد باشد که اکنون ۲۰ درصد است. ۱۶ درصد؛ یعنی ۳۰ هزار میلیارد تومان در قالب تملک دارایی مالی به‌عنوان تسهیلات، در بودجه پیش‌بینی شده است.

از سهم ۲۰ درصدی هم برداشت‌های بودجه‌ای وجود دارد؟

از سهم ۲۰ درصدی صندوق توسعه ملی نیز تسهیلات ارزی برای سال جاری در قالب تبصره چهار پیش‌بینی شده است. گفته شده که این تسهیلات از منابع ورودی سال ۹۸ یا ۹۹ باشد که میزان برداشت از صندوق توسعه ملی توسط دولت، بیش از ورودی ناشی از صادرات به صندوق است.

یعنی تراز ورودی و خروجی صندوق در سال ۹۹ منفی است؟

۱۰۰ درصد منفی است و از جیب می‌خوریم.

کل تعهدات بودجه‌ای صندوق توسعه ملی چقدر است؟

در بخش تملک دارایی‌های مالی سال ۹۹ منابعی که از صندوق توسعه ملی استفاده می‌شود، ۷۲ هزار میلیارد تومان است که ۳۰ هزار میلیارد تومان آن، تفاوت سهم ۲۰ درصد تا ۳۶ درصد واریزی ناشی از صادرات نفت و میعانات به صندوق است. ۴۲ هزار میلیارد تومان آن مربوط به تبصره چهار بودجه (۲،۷۹۵ میلیارد یورو) است. همه این رقم در قالب تسیهلات بوده و باید به صندوق برگردد.

اخیراً نماینده مردم اهواز گفته ۵۰ میلیون یورو برای توسعه بخش آب‌وفاضلاب از صندوق توسعه ملی مجوز از مقام معظم رهبری گرفته شد که پرداخت نشده است.

پارسال این مبلغ پس گرفته شد. به خاطر اینکه نمی‌توانستند ارز خرج کنند. در تبصره بودجه سال ۹۷ مجوز از مقام معظم رهبری گرفتند و به‌جای آنکه خزانه ریال بدهد، دلار طلب کردند و بانک مرکزی ۵۰ میلیون دلار در حسابی برای آن‌ها واریز کرد. دو مبحث وجود داشت: نخست اینکه از سقف عدد، بالا زده بود و دوم اینکه نمی‌توانستند دلار خرج کنند. فکر می‌کردند این ۵۰ میلیون دلار را می‌توانند در بازار آزاد بفروشند که پولشان بیشتر شود که فکر بچه‌گانه‌ای بود. نتوانستند مجوز جذب بیاورند و پارسال دستور داده شد که به صندوق توسعه ملی بازگردد.